این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

در هر مقامی باید مطالعه دینی داشت

آیت‌الله بهجت(ره): دانشجویان و انسان مسلمان به هر مقامی نائل شوند، باید مطالعه اسلامی و دینی داشته باشند و از محرمات بپرهیزند. اگر دانشجو از مسائل دینی آگاه باشد، کار حرام انجام نمی‌دهد و گرفتار گناه نمی‌شود. باید آن اندازه همت داشته باشیم تا گنج‌هایی را که رسول‌الله(ص) در روایات برای ما قرار داده‌اند، بیرون بکشیم و به دست جوانان‌مان بدهیم. اگر جوانان درس نخوانند، انحراف از دین برای آنان محتمل است. انسان باید دنبال هدایت برود، نه اینکه دنبال راهی برود که عاقبتش هلاک ابدی باشد. باید آن قدر درس بخوانند که گویی آنان را در محفظه مطمئنی گذاشته‌اند که شیطان‌ها در آنان اثر نمی‌کنند.

منبع: کانال تلگرامی «آیت‌الله بهجت(ره)»

ثروتمندان جهان در ایام کرونا رکورد زدند

کانال تلگرامی «اقتصادنیوز» نوشت: گزارش جدیدی که از سوی بانک سوئیسی یو.بی.اس و شرکت «پرایس واترهاوس کوپرز» منتشر شد، نشان می‌دهد که ثروتمندان جهان در دوران بحران ویروس کرونا ثروت بسیار زیاد خود را بیش از یک‌چهارم افزایش دادند. طبق این تحقیقات، ثروت میلیاردرهای جهان در اوج بحران کرونا از آوریل تا ژوئیه ۲۷/۵ درصد رشد کرد و به ۱۰/۲ تریلیون دلار رسید. تعداد میلیاردرها نیز به رکورد جدیدی یعنی ۲۱۸۹ نفر رسیده در حالی که این تعداد در سال ۲۰۱۷، ۲۱۵۸ نفر بوده است.

شبکه‌های اجتماعی در اروپا پاسخگو می‌شوند

کانال تلگرامی «رسانه‌های اجتماعی» نوشت: به دنبال نگرانی از انتشار اخبار فیک در شبکه‌های اجتماعی، اتحادیه اروپا فیس‌بوک، گوگل و توئیتر را مجبور کرده است تا برای مقابله با اخبار جعلی تلاش بیشتری انجام بدهند و برنامه‌هایی منسجم‌تر داشته باشند در غیر این صورت مسئولیت عواقب انتشار هرگونه خبر جعلی، با این غول‌های دنیای فناوری خواهد بود؛ موضوعی که این کمپانی‌ها را این روزها به‌شدت به تکاپو واداشته است و شاهد انتشار گزارش‌های شفافیت عملکرد از آنها هستیم تا نشان دهند در بحبوحه کرونا بیکار نبوده‌اند و به حذف مطالب نادرست از شبکه‌های اجتماعی زیرمجموعه‌شان پرداخته‌اند.

رویترز نیز در گزارشی یادآور شده، کمیسیون اتحادیه اروپا اعلام کرده ارزیابی فعالیت کمپانی‌های فناوری در قالب قانون خودتنظیمی، ما را ناامید کرد و از سوی دیگر شاهد تعدادی نقص در نحوه اجرای این قانون هستیم. از جمله نقص‌هایی که به آن اشاره شده، شفاف نبودن محل منابع مالی تبلیغات سیاسی روی این پلتفرم‌هاست. در این گزارش آمده است در سال ۲۰۱۹ جناح‌های سیاسی در آلمان حدود ۳ میلیون یورو روی فیس‌بوک هزینه کرده‌اند و این هزینه در بریتانیا و سایر کشورهای اتحادیه اروپا بیشتر بوده اما هرگز کسی پاسخگو نبوده که چه کسی این هزینه‌ها را انجام داده است. برخی دولت‌های اروپایی معتقدند این موضوع و موارد مشابه، می‌تواند به دموکراسی در این اتحادیه ضربه وارد کند پس باید شبکه‌های اجتماعی مسئولیت‌پذیرتر باشند.

با فشار بیشتر اتحادیه اروپا به شبکه‌های اجتماعی، این پلتفرم‌ها نیز ساکت ننشستند و به انتشار گزارش‌های شفافیت عملکرد خود پرداختند. به‌عنوان مثال یوتیوب در گزارش شفافیت خود درباره حذف اخبار جعلی یا مطالب نامناسب حاوی خشونت، مسائل جنسی و... آورده است که تنها در فاصله ماه‌های جولای تا اول سپتامبر ۸/۸ میلیون محتوای نامناسب را از پلتفرم خود حذف کرده است. سخنگوی فیس‌بوک با اشاره به کمتر شدن تعداد اخبار جعلی و مطالب نادرست در سه ماهه دوم ۲۰۲۰ نسبت به سه ماهه نخست یادآور شد که در این مدت ۳۵/۷ میلیون مطلب از بستر فیس‌بوک حذف شده است.

تصویر منتخب

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به توهین ترامپ به ملت ایران

از دست ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر!

رئیس جمهور قلدر امریکا در مصاحبه خود با برنامه رادیویی لیمبا با الفاظ رکیکی ملت ایران را خطاب قرار داده و گفته است: «ایران، این را می‌داند. آنها اخطار گرفته‌اند: اگر کرم بریزید و کار بدی علیه ما انجام دهید، بلایی سرتان می‌آوریم که تا حالا سابقه نداشته است.» این اهانت وی با واکنش‌های بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه شد. کاربران این توهین‌ها و بددهنی‌ها را نشانی از شکست سیاست‌های ترامپ در برابر ایران و استیصال او خواندند و با تأسی از شهید بهشتی تکرار کردند: «امریکا از ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر!» برخی از کاربران نیز حرف‌های ترامپ را به سخره گرفتند و آن را نشانی از تأثیر بیماری کرونا دانستند. در ادامه برخی از واکنش‌های کاربران را بخوانید.

■ سیدعطاءالله مهاجرانی:
به نظر می‌رسد ترامپ که خود و تعداد قابل توجهی از اعضای کاخ سفید به کرونا مبتلا شده‌اند تعادل روانی و زبانی‌اش را از دست داده است. شبیه لات‌های گردن سرخ فیلم‌های وسترن حرف می‌زند. شاید دلتنگ شده تا بایدن دوباره به او بگوید: «ابله... خفه!» بایدن گفته: «با کرونا مناظره نمی‌کند!»

■ سعید قاسمی:
ترامپ قمارباز امشب جسارتی کرد و به زودی پاسخ اصلی را دریافت می‌کند. دوران قلدرمآبی در عرصه بین‌الملل تمام شده است. پاسخ روی زمین روشن و واضح است. هوا و هوس شهوترانان نتیجه را تغییر نخواهد داد.

■ مصطفی نجوا:
لفاظی گستاخانه ترامپ در قبال ایران بزرگ، حکایت از استیصال امریکا در آستانه فروپاشی دارد. امریکا هر آنچه که توانست در برابر ایران به انجام رساند تا این ملت بزرگ را به زانو درآورد و اینجاست که باید آن جمله تاریخی شهید بهشتی را تکرار کرد: از دست ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر!

■ مهدی محمدی:
از ترامپ این روزها کاری بیش از فحش دادن ساخته نیست. اما بهتر است کمتر جوش بزند و انرژی خودش را برای آینده ذخیره کند!

■ رسول شکری‌نیا:
ترامپ فردی نژادپرست، هتاک، فاسد و بی‌ادب است که به همه این رذایل اخلاقی افتخار می‌کند و مدام آنها را تکرار می‌کند... ناکارآمدی سیاست‌هایش در همه دنیا از جمله در برابر ایران، او را ناچار به چنین واکنش‌هایی کرده است... ترامپ باید زنده بماند و پاسخگوی جنایاتش باشد...

■ حسن عابدینی:
رئیس‌جمهور ترامپ پیشتر به فقدان دانش سیاسی و نداشتن آگاهی در حوزه بین‌الملل شهرت داشت. مصاحبه‌اش با برنامه لیمبا (Limbaugh) اما مرزهای بی‌ادبی و بددهنی با الفاظ رکیک را هم صدها فرسنگ جابه‌جا کرد. شنیدن سخنرانی ترامپ برای غیرامریکایی‌ها باید از این پس محدودیت سنی داشته باشد.

■ سالار احمدی:
بی‌ادبی ترامپ در مورد ایران را به پای فشار بیماری کرونا نگذارید؛ مردک فهمیده غائله را به جو خواب‌آلود باخته زنجیر پاره کرده!

■ امین نیکدل:
ترامپ گفته بلایی سر ایران میارم که تو تاریخ سابقه نداشته باشه! آقای ترامپ قمارباز... خون شهید سلیمانی حریف شماست... بیا... ما منتظریم... ما ملت شهادتیم... ما ملت امام حسینیم.

■ کیان مهزاد:
ترامپ می‌داند که هیچ کاری از دستش ساخته نیست پس همچو سگی پارس می‌کند و ایران مقتدرانه تحریم‌هایش را دور می‌زند، در منطقه پیش می‌رود، نفتکش‌هایش را به ونزوئلا می‌برد و ترامپ همچنان پارس می‌کند...

■ محمد میرزامحمدی:
ترامپ گفته بلایی سر ایران میارم که تو تاریخ ننوشته باشه! نکنه با همون کماندوهای بزدل و پوشکیش میخواد بیاد خاورمیانه؟ یا نکنه می‌خواد از همون پهپادهاش بفرسته؟ شاید هم می‌خواد ناوهای جنگیش رو بفرسته! آقای قمارباز به یاد بیار صحرای طبس را... و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی...

■ مسعود ایمانی:
ترامپ قمارباز شما خودت بهتر می‌دونی که ما ترسی نداریم اگر اولین موشک به ایران اصابت کنه حیفا و تل‌آویو به وسیله موشک‌های ما شخم زده خواهد شد پس ساکت شو و آرام بشین و پارس نکن.

تحلیل

شجریان و منطق سیاست روزمره

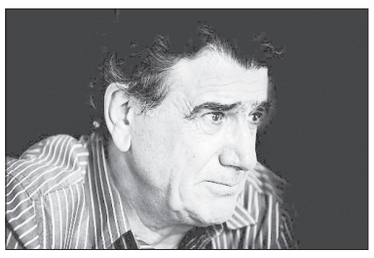

دکتر پرویز امینی در کانال تلگرامی خود نوشت:
بسیاری از واکنش‌ها به درگذشت مرحوم شجریان نشان داد که «منطق سیاست روزمره» تقریباً همه ابعاد زندگی جمعی را فراگرفته است و از فرهنگ و هنر و اقتصاد تا حوادثی مثل سیل و زلزله و پلاسکو و فوتبال و مرگ هنرمند، خوراک این منطق است.

در کنار کسانی که بعد از درگذشت مرحوم شجریان، علاقه هنری خود را به وی ابراز کرده‌اند یا مقام فرهنگی او را پاس داشته‌اند یا به لحاظ عاطفی و روحی نسبتی بین خود و شجریان و آوازها و تصنیف‌هایش داشته‌اند، فراوان افراد و اشخاص وجود دارند که چه در له و چه در مقام نقد، با همین منطق سیاست روزمره وارد این ماجرا شده‌اند که نه انسی با آثار هنری و موسیقیایی او داشته‌اند و نه حتی این جنبه‌ها ارزشی برایشان داشته است. اما دم غنیمت شمرده‌اند تا بتوانند از پیکر بی‌جان او خوراکی برای سفره قدرت خود فراهم سازند.

برای برخی چه پوزیسیون و چه اپوزیسیون، شجریان به ماقبل و مابعد سال ۸۸ تقسیم می‌شود و برای برخی دیگر حتی به ماقبل ۵۷ و مابعد ۵۷ تقسیم می‌شود. همچنانی که افتخاری، به ماقبل و مابعد روبوسی با احمدی‌نژاد تقسیم می‌شود. برای برخی از اینها، محمدرضا لطفی نوازنده تار ناشناخته و حتی بی‌اهمیت است در حالی که از نظر مقام هنری و در کار خود، دارای موقعیتی بی‌بدیل است. اما چون از نظر کالای سیاسی شدن کاربردی ندارد، هنرش نیز بی‌اهمیت می‌شود. برای برخی شهاب حسینی به عنوان بازیگر بر اساس مخالفتش با تحریم جشنواره فجر نیز به ماقبل و مابعد ۹۸ تقسیم می‌شود. قبل از ۹۸ بازیگری محجوب و بادیسیپلین و بی‌حاشیه و بعد از ۹۸ به یک بازیگر بی‌ادب تبدیل می‌شود. برای برخی تتلو به تتلوی خوب و بد تقسیم می‌شود. در مقطعی که تصور می‌شد به عنوان یک آس تبلیغاتی می‌تواند فضای انتخابات را دگرگون کند، قابل غبطه خوردن نیز بود اما بعدها و با خارج شدن از مدار استفاده سیاسی، به تف و لعنت خدا هم نمی‌ارزد. برای برخی با منطق سیاست روزمره هم می‌توان خانه سینما را تعطیل کرد و هم فیلم جدایی نادر از سیمین را از طرف جمهوری اسلامی نماینده اسکار کرد. به این فهرست امثال جلال آل‌احمد، شریعتی، شاملو، ابتهاج، اخوان ثالث، هدایت، نادر ابراهیمی، محمود دولت‌آبادی، علی حاتمی، حاتمی‌کیا، کیمیایی، مهرجویی، تقوایی، بیضایی، فرهادی و... را می‌توان اضافه کرد و البته این قصه پرغصه سر دراز دارد. باید به جای مصادیق، منطق این سیاست روزمره را شناخت و آن را مردود ساخت.

منطق سیاست روزمره از پیش موضع مشخصی درباره مسائل و رخدادها دارد. نه حقیقت و نه اخلاق و نه فضیلت و نه انصاف و نه عدالت و نه جوانمردی و نه مردم و...، دخلی به نحوه مواجهه با پدیده‌ها و رخدادها ندارد اگرچه همواره با این عناوین و در زیر پرچم آنها منطق سیاست روزمره خود را پیش می‌برند.

برای منطق سیاست روزمره، همه‌چیز و همه‌کس در حکم ابزارند و تا آنجا ارج و اهمیت دارند که به رونق موقعیت قدرت آنها بینجامد و آن را پیش ببرد و زمانی از چشم می‌افتند که بی‌بهره شده باشند.

نه دفاع و نه نقد و نه مخالفت با موضوعات و نه نوع رخدادها؛ چه شیرین یا تلخ، چه فرهنگی یا اقتصادی یا هنری یا ورزشی یا نظامی یا تاریخی نیز ذاتاً اهمیت ندارد بلکه آنچه مهم است این است که این مسائل و رخدادها چگونه مقاصد قدرت ما را تأمین و تضمین می‌کنند.

اصحاب منطق سیاست روزمره در خلال هر رخدادی، باید بتواند خانه رقیب و رقبا در سیاست را ویران کند و از قِبَل آن، به خانه خود در سیاست استحکام ببخشند. پایه‌های مشروعیت رقیب را زایل و از این نمد، کلاهی برای مشروعیت خود ببافند. نفرت از رقبا و مخالفان را در بین مردم بگستراند و از این طریق پایگاه خود در بین مردم را گسترش دهند. سر حریف را به دیوار نقد و مخالفت بکوبند و از این مسیر برای سربلندی خود عِدّه و عُدّه جمع کنند.

بنابراین منطق سیاست روزمره با جباریت نمی‌تواند خود را به حوزه خاص خود محدود کند و اجازه دهد عرصه‌ها و حوزه‌های دیگر با منطق درونی خویش کار کنند. همه عرصه‌ها و همه مسائل را حوزه نفوذ خود می‌داند و ورود و خروج به آنها را حق خود می‌داند.

«سیاست‌زدگی» و «سیاست‌گریزی» دو عارضه ظاهراً متناقض حاکمیت منطق سیاست روزمره بر همه عرصه‌هاست. سیاست‌زدگی یکی از عوارض همه‌جایی شدن امر سیاسی است. درواقع بیرون سیاست نه چیزی شکل می‌گیرد و نه می‌تواند شکل بگیرد.

چه پوزیسیون باشی و چه اپوزیسیون، باید به بند نافِ سیاست روزمره گره خورده باشی و از آن تغذیه کنی. سیاست‌گریزی عارضه دوم است که به بی‌اهمیتی امر سیاسی و نیز ارجمندی فاصله‌گذاری افراد با امر سیاسی منجر شده است که کارکرد سیاست در حوزه نفوذ مشروعش را نیز انکار می‌کند. درواقع منطق سیاست روزمره توأمان هم سیاست و هم غیر از سیاست را می‌فرساید.

ترامپ: اوکراین دیواری بین ما و روسیه است

عصر جمعه ۳۰ آگوست به وقت ورشو، من به صورت ویدئوکنفرانس از ورشو در جلسه شورای امنیت ملی با موضوع افغانستان که در اتاق وضعیت و با حضور ترامپ و بیشتر افراد تشکیل شده بود، شرکت کردم. در حین صحبت‌ها آنچنان غرق مسئله افغانستان شده بودم که متوجه نشدم ترامپ پیش از پایان جلسه، در حال خارج شدن از اتاق است. بلافاصله فریاد زدم: «صبر کنید، پس مسئله اوکراین چه می‌شود؟» همه سر جایشان نشستند، ترامپ گفت: «ناتوی لعنتی هیچ اهمیتی برای من ندارد، آماده‌ام که به آنها بگویم اگر پول ندهید، از آنها دفاع نخواهم کرد. می‌خواهم این ۳۰۰ میلیون دلار را ناتو بدهد.» منظور ترامپ از عدد ۳۰۰ در واقع بخشی از کمک‌های تخصیص یافته به اوکراین به میزان ۲۵۰ میلیون دلار بود! و صد البته که چنین چیزی محال بود و شنیدن این حرف‌ها از رئیس‌جمهور نشان می‌داد او هنوز هم نمی‌فهمد این پول‌ها چیست و از کجا آمده است. هر چند این چیزها، نکته تازه‌ای از سوی ترامپ نبود که با شنیدن آن متعجب شوم. ترامپ ادامه داد: «اوکراین دیواری میان ما و روسیه است.» در واقع او اوکراین را مانعی بر سر روابط صمیمانه و نزدیک واشنگتن با مسکو می‌دید.

بعد ترامپ رو به پنس کرد و گفت: «به استولتبرگ، دبیر کل ناتو، زنگ بزن و مجبورش کن که ناتو این پول را بدهد. بگو پرزیدنت در خدمت شماست اما به هر حال پول را شما باید بدهید.» این حرف ترامپ هیچ منطقی نداشت. ترامپ همچنین گفت: «تا جلسه ناتو در ماه دسامبر دست نگه دارید!» که تلویحاً و به نظر من این حرف ترامپ معنایش این بود که می‌خواهد اعلام کند ما از ناتو خارج خواهیم شد.

این حرف‌ها اصلاً خبر خوبی نبود، هر چند کاپرمن به من گفت پس از جلسه شورای امنیت ملی، سناتور اینهاف، نیم ساعتی با ترامپ درباره مساعدت‌های امنیتی به اوکراین، صحبت کرده است و ترامپ در نهایت گفته است: «پنس پیام من به دبیرکل ناتو را ملایم‌تر خواهد کرد.» البته معنای همین حرف ترامپ هم روشن نبود.

چند روز بعد سناتور جانسون هم به من گفت او نیز با ترامپ صحبت کرده و این نکته سیاسی را برای ترامپ به وضوح شرح داده است که کنگره به شکلی متحد و قاطع از اوکراین حمایت می‌کند. البته او هم مطمئن نبود که حرفش بر ترامپ تأثیری داشته باشد. من می‌دانستم که هر روز تعداد بیشتری از نمایندگان مجلس و سنا آماده می‌شوند تا با ترامپ صحبت یا دیدار کنند. هنوز هم تاکتیک‌های خام سیاست‌ورزی روی ترامپ تأثیر بیشتری از استدلال‌ها و تحلیل‌های محکم داشت. به هر ترتیب، جلسه ۳۰ آگوست، بی‌نتیجه به پایان رسید.

در توانم نیست...

وحید یامین‌پور در کانال تلگرامی خود نوشت: می‌دانم تلاشم برای ایجاد همزبانی و تفهیم منظورم بی‌فایده است. در توانم نیست که کتاب‌ها را در یک توییت بگنجانم. در توانم نیست تفاوت هنر از تبلیغات را در دو جمله توضیح دهم. در توانم نیست سیاست‌زدگی را شرح دهم. در توانم نیست بگویم چرا برخی به مولانا و ابن‌عربی که به تعبیری ستّی هستند توهین می‌کنند ولی امام خمینی و علامه طباطبایی و بزرگان از عرفا و علما آنها را گرامی می‌دارند و چارچوب کتاب‌ها و نظریه‌های خود را بر آرای آنها می‌گذارند. در توانم نیست بگویم چرا فیلسوفان بدکردار و گاه شهوترانی مثل نیچه و هایدگر مورد توجه متفکرین بزرگ عصر ما حتی شهدای حکیمی چون آوینی بودند. در توانم نیست توضیح دهم چرا آلبر کامو و داستایفسکی و چخوف و سایر نویسندگان بزرگ که نه مسلمان بودند و نه بعضی از آنها حتی به خدا اعتقاد داشتند، هنرمندان حکیم و تاریخ‌ساز و محترم به حساب می‌آیند. در توانم نیست شرح دهم که گاهی ممکن است هنرمندی با هنرش شالوده و ستون‌های خانه تو را محکم کند ولی گاهی با سنگی شیشه خانه را بشکند. در توانم نیست بگویم که در عصر ابتذال هنر که پاپ و راک و جاز و رپ گوش‌های انسان و فرهنگ را آزرده و کر کرده، هنرمندی که پاسبان موسیقی و آواز اصیل سنت ماست چقدر عزیز و مهم است هرچند که گاهی به ما فحش داده باشد و شیشه سیاست ما را شکسته باشد. در توانم نیست... ولی در همین جملات کوتاه چیزهایی گفتم... شاید در خانه کسی باشد.

هنرمند ملی، هنر ملی

سیدحسین شهرستانی در کانال تلگرامی «پروای نقد» نوشت:

۱- استاد محمدرضا شجریان، بر چکاد آواز ایرانی جای داشت. هنرآفرینی او در عصر ابتذال هنر و سیطره رسانه، مغتنم بود و هست.

۲- شجریان به‌عنوان پدیده درخشان موسیقی ایرانی، دقیقاً مولود شرایط پساانقلابی جامعه ایران است. به جهات متعدد، این انقلاب بود که به این پدیده فرصت پدیداری و درخشیدنی چنین بی‌همتا داد. او در جوار اساتیدی چون محمدرضا لطفی بزرگ، توانست در لحظات خطیری که مردمی‌ترین انقلاب تاریخ آفریده بود، به میدان آمده و خود را جاودانه سازد.

۳- گرچه فراز و فرودهای سیاست‌زدگی‌های دو دهه اخیر، این پدیده را تحت‌تأثیر قرار داد، لیکن جان‌مایه‌های خویشکاری این پدیده برای هنر ایرانی، فراتر از هواداری‌ها و مخالفت‌های زودگذر و هیجانی، باقی خواهد ماند.

۴- به لحاظ دستاوردهای هنری، شجریان و شیوه و طرز هنرمندی او باید به‌جد مورد تدقیق و تحقیق و حتی نقادی واقع شود. اساتید و محققان و دانشجویان هنر و علوم انسانی به‌دور از ستایش و نفرین باید چنین پدیده‌هایی را موضوع فکر و تحقیق قرار دهند تا فراتر از مواجهه نوستالژیک و رمانتیک، بتوانیم دستاوردهای او را در متن هنر و فرهنگی ملی خویش، ثبت و ذخیره سازیم.

۵- من چون بسیاری از هم‌نسلی‌هایم از دیرباز با آثار او انس و آشنایی داشتم، اما حقیقتاً ربنای استاد، آن دیگری داشت و از جای دیگری بود. ترکیبی از سنت تلاوت مصری و آواز ایرانی در آفرینشی تازه و بدیع بود که پسند خاص و قبول عام را هر دو در پی داشت.

۶- از مواجهه نوستالژیک فانتزی طبقه شبه‌مدرن ایرانی مبتذل‌تر، تداوم مصرف قبیله‌گرایانه استاد پس از مرگ اوست. اگر واقعاً مدعی هستیم که او هنرمندی «ملی» بود، پس او را بیش از این خرج رقابت‌های یومیه و جناحی خویش نسازیم.

۷- از بحران‌های توسعه‌نیافتگی ما همین است که هنوز مقام و معنای «هنر ملی» را به‌درستی درنیافته‌ایم. مسئولیت این بحران، هم به‌گردن نهاد سیاست است و هم بر دوش نهاد هنر.

نتیجه این بحران تنزل شأن هنر ملی و هنرمند ملی از جایگاه رفیع خویش و مصرف بی‌مبالات او در جریان‌های زودگذر و نزاع‌های فرومِلّی است. در موارد بسیار من‌جمله درخصوص مرحوم شجریان، حتی خود هنرمند هم گاه در فروکاست شأن «هنرمند ملی» شرکت دارد، چراکه ایده اساسی «هنر ملی» همچنان دچار بحران است. بحرانی که نتیجه اعوجاج در نسبت میان هنر و سیاست در ایران است.

روان استاد شاد باد